

# در پشت همه حوادث خطرناک اخیر دست امپریالیسم امریکا دیده می شود

قلمیت بخسج داده نمیشود ارگانهای مسئول نه قانون انقلاب را رعایت میکنند و آزادیهای ممرحه را بر مسیت میشناسند و نه جلوی حرکات آشکارا مض بحال انقلاب را، که تشنج آفرینی و زد و خورد و جوسازی نتیجه آنست، میگیرند. ساواکیها، غارتگران، داروستانهای دستیار آمریکا، اعم از طاعوتی و ماوئیست و لیبرال، عمدا کار را دارند بمسوی تشدیدجوساسالم و تشنج میکشاند، تا هرچه بیشتر زد و خورد روی دهد، عصبانیت و خشم و درگیری شدیدتر شود، دقاتر ویران و بساطها پراکنده، جانها خسته و پیکرها مجروح شود و احتمالا خون بریزد. یا اینحال مقامات مسئول و ارگانهای حافظ قانون و حافظ مبین انقلابی ما، درجهت لازم، که حفظ محیطظم انقلابی و قانونیت انقلابی است، عمل نمی کنند.

در شرایط حساس متبله نظامی با دشمن تجاوزکار و تشدید توطئه های آمریکا برای برانداختن نظام انقلابی و ایجاد دولتی میانرود و متدل، که بمقتولانها آمریکا بمذاکره بنشینند، ما به آرامش، تمرکز قوا، اتحاد نیروها و هشیاری در برابر دشمن نیاز حیاتی داریم. اما در هفته های اخیر، ما شاهدیم که تشنج پشت تشنج درگیری روی میدهد. ما شاهد کوششهای فراوانی هستیم که انجام میشود تا فریادها بر سر عمده ترین دشمن انقلاب ما کشیده نشود، تا انظار متوجه جنگ تجاوزکارانه ای که بسود آمریکا در مرزهای جنوب و غرب بیدار میکند، نباشد، تا آمریکا و توطئه هتم آن با تمام شاخها و شکلها و شیوهها و عمالتی از یاد برود. ما شاهدیم

که تشنج و بر خورد های دائمی، جو تحریکات مداوم و زودخورد های خونین بهترین و مناسب ترین محیط را برای آمریکا، این دشمن اصلی ما، این دشمن خونین انقلاب ما، این دشمن آشتی ناپذیر ما، فراهم میکنند. هرکس در ساختن و پرداختن این جوشرکت داشته باشد، بپر بهانه و زیره نامی که باشد، بسود دشمن عمل بقیه در صفحه ۲

فراموشی شوند چه کسی در ادامه این وضع سود دارد؟ آمریکا، خدا انقلاب! چه کسی از این حوادث بهره گیری میکند و در ایجاد آنها تفع دارد؟ آمریکا، خدا انقلاب! وقوع این حوادث پشت سرهم، در این روزهای سرخوشتم ساز، بشدت تکران کننده است. حوادث هفته های اخیر خطرناک بودی انقلاب را دربر دارد. ساواکیها و ضد انقلاب فعال ایجاد کنندم گرداننده و آتش یاران آن هستند و دارند بخشی از توطئه هتم را اجرا میکنند. اینست آن حلقه اصلی حوادث اخیر.

هتیارباشیم که آمریکا هتجان خطر جکی و فوری و واقعی است. با شکلهای تازه و حاد آفرینی های تازه و بهانه های تازه بمیدان آمده است. هیاهو و پیرامون «خطر کمونیسم» و ترساندن از حزب توده ایران - شگری که در آستانه کودتای ۲۸ مرداد نیز بکار بردند تنها پرده دودی است برای اجرای توطئه های ضدانقلابی و پوشاندن خطر واقعی آمریکا.

جو تشنج و بر خورد های دائمی، جو تحریکات مداوم و زودخورد های خونین بهترین و مناسب ترین محیط را برای آمریکا، این دشمن اصلی ما، این دشمن خونین انقلاب ما، این دشمن آشتی ناپذیر ما، فراهم میکنند. هرکس در ساختن و پرداختن این جوشرکت داشته باشد، بپر بهانه و زیره نامی که باشد، بسود دشمن عمل بقیه در صفحه ۲

حوادث بسیار مهم و خطرناکی در کشور ما میگذرد، که بسا سرخوش انقلاب بزرگ ما و با آینده مبین ما ارتباط مستقیم دارد، زیرا که جزئی است از توطئه هتم امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران. در گیلان و مازندران، در تهران و اصفهان، در خراسان و بلوچستان، جزء به جزء یک نقشه وسیع براندازی دارد پیاده میشود. زودخورد های خونین و تشنج دائمی وسیله ای شده است برای تضعیف انقلاب و برای انحراف توجه از دشمن اصلی و از توطئه های او.

جامعه انقلابی ما تکران است. نه تنها تکران خود این حوادث، که بخودی خود هم هشداردهنده و عبرت انگیز است، بلکه بویژه تکران آن علل و اسبابی است که اینگونه حوادث را بوجود می آورد و آن عواقب و نتایجی که میتواند در پی داشته باشد. مردم انقلابی ما در درجه اول تکران عامل اصلی و گرداننده واقعی این حوادث، تکران دستی هستند که درخفا همه اینها را میگرداند: دست امپریالیسم آمریکا!

تشکیل اجتماعات تحریک آمیز و انحرافی، نحوه برگزاری این میتینگها و راهبیمائیا و اجتماعات، برامانداختن درگیریها و زو خورد، چماق کشی و ضرب و جرح و قتل، حفظ نکردن امنیت و نظم و محترم نشردن قانونیت، نقطه گری این حوادث است، که در ایجاد و تشدید آنها، خدا انقلاب سازمان یافته، ساواکیها، وابستگان برزیم طاعوت، سرمایه داران عمده و بزرگ مالکان و همچنین لیبرالها و ماوئیستهای آمریکائی نقش دارند. پیرامون این اجتماعات و درگیریهای وابسته به آن، سه نکته جلب نظر میکند:

اول اینکه، اگر چه اغلب این میتینگها نظیر اجتمع ۱۴ اسفند ۵۹ در دانشگاه تهران و میتینگ ۷ اسفند ۵۹ در امجدیه، با شرکت و بدعت دولتمردان و شخصیت های که از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران و منافع آن سخن میگویند، تشکیل میشود، ولی در آنها از خطر اصلی، که مبین انقلابی ما، موجودیت جمهوری اسلامی و سرخوش انقلاب ما را تهدید میکند، حرفی زده نمیشود. چرا؟ آیا خطر آمریکا دیگر

دوم اینکه، در اینگونه میتینگها، در تهران و سایر شهرستانها، و در تبلیغات تدارکی آنها، بجای شمار اصلی انقلاب، شمارهای انحرافی مطرح و تکرار میشود و جوی بوجود می آید که آن شمار اصلی نگهدارنده شیشه عمر انقلاب ما فراموش شود و با علم کردن «دشمنان» موهم، دشمن عمده ما توطئه های متنوعی که برای شکست انقلاب یا مسخ انقلاب انجام میگردد، از یادها برود.

سوم اینکه، در حفظ قانونیت و آنچه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نوشته شده، در احترام به قوانین مصوب ارگانهای انقلابی و اجرای آنها

روزنامه اطلاعات در شماره دیروز بعد از ظهر خود، طسی سرمقاله ای که زیر عنوان «سخن روز» چاپ میشود، در کمال تأسف و تعجب، در گرداب اقترازیسی افتاده و متأسفانه دروغی را در صفحه اول خود نوشته است که هیچکس - باگری جدی بوقایع برخورد کند یا کمترین آگاهی از رویدادهای کشور و موضع گیری حزب توده ایران داشته

نامه  
مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۶۵  
چهارشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با  
۴ جمادی الاول ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

## در صفحات بعد

«شیوه»  
انتظامی «یا  
لیبرالیسم ناب

چاه ویل  
مسابقه  
تسلیم حاتی

صفحه دهقانی  
ویژه وظیفه خطیر  
انقلابی هیئت های هفت  
نفری

کارگران  
چای سازی خواستار  
محیط مناسب کار  
هستند

بر اساس اطلاعات ستاد  
مشترک ارتش جمهوری  
اسلامی ایران:  
در جبهه های  
جنگ چندین  
عراقی  
به هلاکت  
رسیدند

## تاکتی دروغ و افترا!

شرکت نداشته و اعضای آن دستور سازمانی داشته اند که در اینگونه مراسم حضور نداشته باشند. این عدم حضور توده ایها در میتینگی مزبور نه تنها از سیاست کلی و کاملاً شناخته شده حزب ما ناشی میشود، بلکه تکرار میکنیم در این موارد ما صراحتاً و همنوس سازمانی داشتیم که کسی از ما در امجدیه و

باشد - نمیتواند آنرا باور کند اطلاعات دیروز نوشته است: «اینرا هم نمیشود قبول کرد که جریان چریکهای فدائوسی اکثریت و حزب توده (ایران) آنچه نبودند، نه، بوده اند. و این نیز پذیرفتنی نیست که آنها آمده باشند و ساکت نشسته باشند. حداقل اینست که بقول خودشان به افتخاری و روشنگری و بخش تراکت و شعار پرداخته باشند»

توده ایها نیامده بودند ما آنها نبودیم. ادعای اطلاعات دروغ محض است و البته فقط محافل ویژه ای از بیان و انتشار چنین افتراهایی بسود می برند، که پای حزب توده ایران را، در آنچه که هیچگونه شرکی نداشته، بیان بکشند. چه در میتینگ ۷ اسفند امجدیه و چه در سخنرانی ۱۴ اسفند دانشگاه تهران، حزب توده ایران بیجوجه

با پیشنهاد نخست وزیر و موافقت رئیس جمهور، دو وزیر از سه وزیر تعیین شدند، ولی لیبرال ها، دیروز، با خروج از جلسه مجلس، مانع تصویب «طرح قانونی تعیین سرپرستی وزارتخانه های بی وزیر» شدند

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



# «شیوه انتظامی» یا لیبرالیسم ناب

روزنامه «میزان» در شماره خود (۱۰ اسفند ۵۹) مقاله ای بقلم مهندس بازرگان، زیر عنوان «شیوه انتظامی و شیوه انقلابی» انتشار داده است. باید اعتراف کرد که آقای مهندس بازرگان با توضیحات و شروع خود درباره «این شیوه» که بگفته از اوایل دولت موقت بشماره «دیو و قورقور» روبرو شدند و «اختلافات آنجا سرب چشمه گرفت و اشکالات نیز از آنجا شروع شد» زیوروشی خط لیبرال‌ها یا «شیوه انتظامی» را با خط انقلابی امام خمینی، بی‌کم و کاست توضیح داده‌ام. بر این نخستین بار است که لیبرال‌ها اعتراف کامل و آشکار و صریح به وجود و پیش‌دو برخورد و او طرز تفکر در انقلاب ایران می‌کنند و ادعای قبلی خود را که گویا لیبرال‌ها به دلیل مسلمان بودن، پیرو خط امام هستند، آشکارا پس گرفته‌اند، که این خود تا حدی است بر آنچه ما تاکنون می‌گفتیم و آنجا تکاری می‌کردند. در این نوشته، مهندس بازرگان ظاهراً یک بردن «شیوه انقلابی» را در دوران قبل از پیروزی انقلاب می‌پذیرد. او می‌نویسد:

«در ۲۵ سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد، ملت صبور سرزیر، که کاسه صبرش لبریز از درد و آه شده بود و رهبر قاطعی چون امام خمینی یافت، بر سبیل طوفانی از خشم و امید بی‌ساخت، خواسته عمومی و اول و ازگون کردن نظام و بیرون انداختن شاه بود... طبیعی است که به شیوه انقلابی عمل شود که شد به پیروزی سریع و درخشان رسیدیم. تا اینجا درست بود و تشویق کننده و افتخار انگیز.»

ولی نکته مهمی که مهندس بازرگان عمدتاً خواسته از آن یاد کند، آنست که ایحان و بی‌ارانشان در نهضت آزادی و «جبهه ملی» و گروه‌های نظیر، در آن دوران هم با یکبار بردن «شیوه انقلابی» مخالف بودند، ملاقات‌های آنان با امام خمینی درباری و توصیه‌ها و سفارش‌ها به آن دوران نیز به خواسته از همین پیش «انتظامی» بود، زیرا آنان باورند داشتند که دست‌خالی هم می‌توان شاه و تخت سلطنتش را به زیاده‌مدان تاریخ افکند. آنها آشکارا خواستار سلطنت مشروطه پادشاه یا پسر شاه بودند و همین پیش سازشکارانه را می‌خواستند بر کل جنبش تحمیل کنند، که قاطعیت انقلابی امام خمینی دست رد بر سینه‌شان زد و کلام تاریخی و معروف امام خمینی که: «آبای پسرود»، توده‌های مستضعف را زبر سار سرنگونی سلطنت گرد آورد.

اما در دوران پس از پیروزی انقلاب رئیس دولت موقت، که دل بردردی از طرفداران اعمال شیوه انقلابی داشته دارد، درباره آنها چنین می‌نویسد:

«... پس از آن بعضی از انقلابیون ما و جوانان پاک‌پوش ما مانند کسی که غذای لذیذی زبردندانش مزه کرد باشد، خواهان تکرار و یادمان چربان شدند و دم‌آز «تداوم انقلاب» زدند.»

روشن است که برای رئیس دولتی که همه‌سوارانه با از انقلاب کردن پشیمان شده، «تداوم انقلاب» به مراتب وحشتناک تر و غیر قابل تحمل تر از خود انقلاب است.

لیبرال‌ها، که هلنگ لیگان انقلاب، انقلاب آمدند، پس از پیروزی انقلاب، به دلایل مدن و معلوم، سهم بسیار بزرگی از قدرت را گرفتند. ولی «تداوم انقلاب» آغاز منفرد ساختن آنها در جامعه، انشاء شیوه‌های سازشکارانه یا «انتظامی» آنان و تکار و یادمان نشان از حکومت بود. با «تداوم انقلاب» دیگر به هیچ‌وجه نمی‌توان دمسازی داشت.

مهندس بازرگان محتوای «تداوم انقلاب» را اینطور توضیح می‌دهد: «غیر از شاه و کسانش با هر درباری و دیوروی همان ماله را بکنیم، نظامیان و کارمندان را چون فرمانبران

و مجربان اوامر طاغوت و از ارکان آن دوران هستند، یک قلم اخراج و بی- نام و نشان نشانیم، روی هر صاحب زمین ولو دوسه هکتار و موتور و مویز و چون نمی‌خواهیم مالک و مالکیت در این سرزمین ببینیم، بی‌رحم فئودال زده، از هستی و زندگی ساقط‌شان کنیم، اگر چه تولید کشاورزی از زمین بود. تکلیف مدیران کارخانه‌ها و سهامداران شرکت- ها هم که معلوم است، چون استعمار- گران و وابسته استعمار را از سرمایه‌دارانند... به این ترتیب نه تنها تداوم بلکه تحریف و تشدید انقلاب شعار بعد از پیروزی شد، تا آنجا که امام را نیز... منحرف و معترف به انقلابی نبودن خود کردند.

اگر اغراق گوئی‌های رئیس دولت موقت را درباره «اخراج یک قلم نظامیان و کارمندان» و «تصاحب زمین هر صاحب زمین ولو دو سه هکتاری» را

وی این بیان تاریخی امام خمینی را که: «ملت ما، انقلابی عمل کردند و ما انقلابی عمل نکردیم»، که اشاره مستقیم و ظریف به گردانندگان دولت موقت دارد، بخود نمی‌گیرد و با گستاخی آنرا به امام خمینی باز می‌گرداند.

رئیس دولت موقت می‌نویسد: «اولین مشکل بزرگ تداوم انقلاب تعجیل در توسعه آن در تمام جبهه‌ها بود... می‌گفتند تا صل و تجربه و تدوین یا حرکت گام‌گام، غیر انقلابی و محکوم است و شاید خیانت.»

تامل و تجربه و تدوین «مجرمان سیاست» را همه بدینند که جز سازش، هم در جبهه‌ها هم در لیبرالیسم، پیروزه آمریکا هم در جبهه مبارزه با طبقات غارتگر، یعنی زمینداران بزرگ، فئودال‌ها و سرمایه‌داران وابسته نبود. نتیجه این سیاست آن شد که امپریالیسم آمریکا به کمک همین آقایان تلاش داشت

ضد انقلاب در همه سطوح و هم تحت تاثیر شیوه‌های شانتاژ و اتهام‌زنی لیبرال‌ها، هم‌وقت همه جا در تمام موارد، قادر به اعمال قاطعیت انقلابی نبودند. اگر جز این بود، می‌بایست تاکنون صد باره قانون ملی کردن بازرگانی خارجی و خلع ید از تجار وابسته انجام شده بود، می‌بایست با واگذاری زمین به دهقانان ملی کردن تمام واحدهای بزرگ صنعتی و شرکت‌ها و برنامه ریزی مدون علمی، شالوده خوبی برای افزایش تولیدات صنعتی و کشاورزی ریخته می‌شد، می‌بایست با پاکسازی انقلابی دستگاه دولتی، اعم از کشوری و لشکری، توان پاسداری و استقامت دولت متکی به خلق دم‌چندان می‌شد، که نشد ماست.

رئیس دولت موقت در وفاداری کامل به مواضع طبقاتی خویش، هنوز هم نمی‌خواهد بپذیرد که با وجود سلطه



سای و اقتصادی و نظامی و فرهنگی امپریالیسم، سرگردگی آمریکا، با باقی گذاردن پایه‌های اجتماعی آن، یعنی کلان سرمایه‌داران بزرگ و زمینداران،

این انقلاب نمی‌توانست و نمی‌تواند راه سلامت برد و تجربه و تامل و تدوین دولت موقت فقط بازرگانان جدید کشور به گام امپریالیسم و حفظ نظام سرمایه‌داری و بزرگ مالکی بود. البته آقای مهندس بازرگان با اعتقاد راسخی که به ضرورت همپیوندی ایران با امپریالیسم آمریکا دارد، در این مقاله هم آمریکا را بره بیگانه سرزیر- اندیشی معرفی می‌کند که پس از عبرت اندوزی از سقوط «خریف طعم‌سکار هیلمگر» یعنی شاه ملعون، حاضر به شناسایی انقلاب و جمهوری اسلامی بود ماست. او می‌نویسد:

«... حال که حریف طعم‌سکار هیلمگر از میدان بدررفته، پشیمان نیرومند جهان‌خوارش پشیمان شده، دست از حمایت طاغوت برداشته، انقلاب جمهوری اسلامی را خوانا- خواه به رسمیت شناخته و خصوصاً منافع حیاتی‌اش، که مقابله با برتری دیگر است، اقتصادی کند که یک دولت معقول مسلمان مستقل را مسلط بر ایران ببیند.»

خوانا خواه این پریش در ذهن خواننده می‌خالد که: اگر «منافع حیاتی» امپریالیسم آمریکا اقتصادی کند که یک دولت معقول مسلمان مستقل را بر سر ایران سلطه ببیند، چرا ۵۰ سال گذشته خود در بقوت رساندن و حفظ یک نظام پلیسی و ضد مردمی و وابسته پشیمان شده، چرا تمام نیروی خود را برای نابودی انقلاب و سرنگون ساختن

جدی نگریم- که جدی هم نیست - آن وقت آقای مهندس بازرگان بر این عقیده است که:

«اولا بجز شاه و کسانش، تمام درباریان و همچنین نخست وزیران و وزرا و رئیس‌های بزرگان مجلس و اوکازده‌هاش و کارگزارانش در دستگام کشوری و لشکری حق زیست داشته‌اند.»

تا اینجا صاحبان تمامی اراضی مکانیزه چون «مولد هستند، باید حق مالکیت شان محترم شمرده شود، زیرا سلب مالکیت از آنها موجب انهدام تولید کشاورزی است.»

ثالثا مدیران و سهامداران سرمایه‌دار و استعمارگر کارخانه‌ها هم باید همچنان مدیر و سهامدار باقی بمانند، وگرنه تولید مملکت فلج خواهد شد.

از این مریبان تر نمی‌توان مواضع لیبرال‌ها را در دفاع از جنگ‌تکاران رژیم طاغوت، از مالکان بزرگ و سرمایه‌داران وابسته بیان کرد. «آری ما هم عقیده داشت که همه درباریان رجالی خدمتگزارند، که مالکیت زمین‌های مکانیزه بطور نامحدود سباز است، هر حق مالکیت سرمایه‌داران بزرگ بر کارخانه‌ها و شرکت‌ها باید محترم شناخته شود. پس چه فرقی است میان طاغوت و لیبرال‌ها؟ پس هدف انقلاب ۲۲ بهمن، بردن شاه و آوردن سازش- گران لیبرال بود و نه انقلاب کوخ- نشیان علیه‌مکاخ‌نشینان، بدانگونه که امام خمینی بدرستی آنرا توصیف کرده‌اند؟

مهندس بازرگان، که به مثابه یک لیبرال حامی نظام سرمایه‌داری جزدر چارچوب حفظ این نظام غارتگرانه نمی‌اندیشد، حتی امام خمینی را هم متهم به انحراف از خط امام می‌کند!

جمهوری اسلامی بکار گرفته است، تا منافع از دست رفته خود را بگونه ای دیگر احیا کند؟

مهندس بازرگان در این نوشته خود با صراحت بیشتری می‌خواهد بگوید که: اگر آمریکا علیه انقلاب توطئه می‌کند و نقشه کودتا و تجاوز می‌ریزد، گام‌هاست که «گروگانگیری» کردیم و آب به سوراخ مورچه‌خیزیم، وگرنه آمریکای «پشیمان» از پشتیبانی طاغوت، حاضر بود انقلاب و جمهوری ما را به رسمیت بشناسد.

کره و ویتنام و کوبا و شیلی هیچ کدام جاوس‌خانه آمریکا را تصرف نکردند و جاسوسان آمریکایی را به «گروگان» نگرفتند. اما امپریالیسم آمریکا که «منافع حیاتی» اش جز غارت ملل مستضعف و وابستگی سیاسی و نظامی و اقتصادی آنان نیست، چون نمی‌توانست از این «منافع حیاتی» چشم‌پوشی کند و بجای حکومت‌های وابسته و دست‌نشانده، دولت‌های مستقلی را در برابر خود ببیند که به منافع حیاتی مردم خویش می‌اندیشند، علیه آنها در راه توطئه و دسیسه‌تاجک مستقیم هم پیش رفت. در شیلی با توطئه کودتای موفق شد و در کره و ویتنام با جنگ مستقیم هم موفق نشد. و کوبای سوسیالیستی در بیخ‌گوش امپریالیسم آمریکا به زندگی مستقل خود ادامه می‌دهد.

رئیس دولت موقت، که حضور مردم را در صحنه، در قالب نهادهای جویشده از انقلاب، به هیچ‌وجه نمی‌تواند تحمل کند، می‌نویسد:

«نهادهای انقلاب در اساس طبیعی و ضروری و موثر بودند... ولی به صورت موقت محدود، زیرا که هر قدر حاد و برای حمله اول آماده باشند، چون فاقد تخصص و مشکلات - اند... استفاده دائم از آنها، کارائی لازم و شرایط اقتصادی و اداری را ندارند.»

مهندس بازرگان نهادهای انقلابی را به پلنگی تشبیه می‌کند که:

«در حمله به شکار حداکثر سرعت را نشان داده، آنزای دردی، ولی مثل قاطر کوهنورد استعداد یابری طولانی و رساندن کالاها را بازرگانان را به دبارهای دوردست ندارد.»

نهادهای انقلابی شاید نتوانند توقع رئیس دولت موقت را در رساندن «کالاها بازرگانان» بعد از دور دست برآورد سازند، اما می‌توانند و توانستند اند که از دست‌وردهای بزرگ انقلاب، که توقع مردم است، چون مردمک چشم پاسداری کنند. اگر نهادهای انقلابی، یعنی حضور فعال مردم در صحنه نبود،

انقلاب به پیروزی می‌رسید و نه پیروزی استمرار می‌یافت. دستگاه دولتی، اعم از کشوری و لشکری، بکمی عقب‌مانده‌ها را باید در دست نخورده باقی می‌مانند و همچون ارشیه طاغوت به جمهوری اسلامی منتقل می‌شد، در رغبت مردم هزار باره کار انقلاب را ساخته بودند. با وجود پاکسازی‌ها، هنوز باقی‌های از درون ارتش سرزمینی آوردند، هنوز ضد انقلاب تا مقامات بالای اداری خود را اجازت داشت، وای اگر توصیه‌های لیبرال‌ها عملی می‌شد و دستگاه دولتی، اعم از کشوری و لشکری، دست نخورده باقی می‌ماند.

لیبرال‌ها در دولت موقت نشان دادند که برای جان انقلاب اند و برای بزرگتران که، می‌خواهند بار دیگر به کتک «ریگان» ها در قالب یک دولت «معقول» معتدل و میانه‌رو - به زبان مهندس بازرگان «دولت معقول مسلمان مستقل» - سربر آورند و همان «شیوه انتظامی»، یعنی لیبرالیسم ناب را بر انقلاب تحمیل کنند. باید این برای بزرگتر را به برتری از جان انقلاب دور کرد.

# کارگران چای سازی خواستار محیط مناسب کار هستند

★ پس از پایان کار، کارگران بعلت تشنگی قیاب ناشی از چسب بر سر و صورتشان یکدیگر را تشخیص نمی دهند.

در انتهای بازار تهران، در چوبی بزرگی وجود دارد که به روی کارگاه های چای باز می شود. پشت در حیاط نسبتاً بزرگی است، که در وسط دیگر، کونیه های پاره شده و محیط غیر بهداشتی آن جلب توجه می کند. در گوشه های نیز کارگاه های کم نوری دیده می شود، که در هر کدام حدود ۱۰ تا ۱۵ نفر کار می کنند. شرایط کار بسیار سخت و خسته کننده است.

کارگران هر روز از صبح ساعت ۸ مشغول به کار می شوند و بعد از ۸ ساعت کار در محیط غیربهداشتی، روز را به می رسانند. کارگران در تمام طول مدت کار روی زمین نشسته اند و کار می کنند.

فضای داخل، بدتر از بیرون و انباشته از گرد و خاک است. نور ضعیفی از سقف به داخل وارد می شود. این روزنه ای است که از آن بجای هواکش نیز استفاده می کنند.

در یکی از این کارگاه ها بنام "چای نسیم"، با یکی از چهارکارگر آن صحبت کردیم.

این کارگر، که هوشنگ نام دارد می گوید:

"۱۲ سال است این شغل را دارم به ما هیچ رسیدگی نمی کنند. اینجا وضع بهداشت خیلی خراب است. شما در نظر بگیرید اینجا هواکش ندارد و با این گرد و خاک امکان دچار شدن به انواع بیماری ها هست. بعضی از کارگران ما، که الان در جای دیگر کار می کنند، ریه های شان را عمل کرده اند. چند نفر دیگر نیز در اثر نشستن روی زمین رماتسم گرفته اند. اینجا مثل انبار و از اسباب و خرد در می آید. ما می خواهیم که این چیزها را از اینجا بیرون ببرند، تا شاید کمی شبیه محیط کار بشود. به وزارت کار مراجعه کردیم و آنجا کارفرما و تحت فشار قرار دادند. ولی کارفرما قبول نکرد. حتی قبول نکرد برای ما یک حمام ساده بسازد. بعد از ۸ ساعت کار، ما اینجا یکدیگر را با تشخیص نمی دهیم. گفتم حمام بسازند، تا بعد از اتمام کار بتوانیم یک دوش بگیریم. ولی این کار را هم نکردند."

کارگر دیگری بنام رحمت بابا جعفری می گوید:

"۱۸ سال است اینجا کار می کنم، ولی سی سال است به این کار مشغولم."

در خاک و طمان برای متجاوزین جا داریم!!



## کارگران اخراجی انبار های گمرک جلفا را به سر کار برگردانید!

در انبار های عمومی و گمرک جلفا، عدای کارگران بر وجود دارند که بی نصیب از مزایای قانون کار، به کار اشتغال دارند. کار این کارگران بدین ترتیب است که جلوی در انبار ها به انتظار می ایستند تا ماشینی از راه برسد. آنکه چند نفر از آنان برای بارگیری همراه آن می روند. چندی پیش حدود چهار نفر از باربران شامل در گمرک سهران، ضمن اعتراض بوضع موجود خود، از کارفرما خواستند که برای بهبود وضع آنها اقدام کند. کارفرما در مقابل اعتراض کارگران، به جای رسیدگی به وضع آنها، همه را از کار اخراج کرد و خطاب به آنها گفت: "هر غلطی دلتان می خواهد بکنید!" ناگفته نماند که کارفرمایان مربوطه عبارتند از: شرکت حمل و نقل آذران و شرکت حمل و نقل فردوسی. کارگران اخراجی، ضمن محکوم کردن این برخورد طاغوت مآبانه، از مسئولان امر انتظار رکب و مساعدت دارند. آنها فقط یک چیز می خواهند: کار و کوتاه کردن دست کارفرمایان طاغوتی.

## کارگران کارگاه بی تا - چشم امید به انقلاب دوخته اند!

کارگاه محصولات غذایی "بی تا" در خیابان مازندران (تهران) قرار دارد. در این کارگاه تعدادی نفر کارگر کار می کنند، که سن بیشتر آنها کمتر از بیست و دو سال است. ساعات کار روزانه کارگران ده ساعت است. بابایی از کارگران، که سرپرستی کارگاه را به عهده دارد، به گفتگو نشستیم. او، که خلیل رضوی نام دارد، گفت: "هفت سال سابقه کار دارم و روزی هزار و صد ریال مزد می گیرم. طولانی بودن کار برایم خسته کننده است، ولی چاره ای نیست." او در مورد وضع تولید، از زمان شروع جنگ تحمیلی تاکنون، گفت: "بعلت کمبود شکر، اجباراً از رس قند استفاده می کنیم که از نظر بهداشتی در سطح بسیار پایین قرار دارد. با این وجود کپلوتی ۱۳۰ ریال هم گیر نمی آید. بعلت گرانی مواد اولیه از مادمای به نام "چی چی تی" برای سفید کردن و همچنین جهت پف کردن کیک استفاده می شود. با استفاده از این ماده، مصرف روغن غیر ضروری شده است و کیک بی نهایت نسبت به سابق در آمد بیشتری دارند ولی در مزد کارگران تغییر حاصل نشده است."

کارگر دیگری بنام روح اله قربانی که با چهار سال سابقه کار، روزانه هشتصد ریال مزد دریافت می کند، گفت: "با این مزد ناچیز، قدرت اداره کردن خانواده ام را ندارم و اجباراً آنها در روستا زندگی می کنند. اگر

دادماند. وقتی هم که اعتراض می کنم می گوید ما به کارگر احتیاج نداریم. حقوق روز تعطیلی به ما تعلق نمی گیرد. مزایا هم نداریم. کارگر دیگری بنام عباس می گوید: "از نوروز امسال اینجا مشغول به کار شدم. مثل فرخ موفقی هستم. ماهانه پول می گیرم و مزایا و تعطیلی ندارم. بیمه هم نیست."

در کارگاه "چای انارکلی" با صفر آیشلی، نماینده سندیکای کارگاه، صحبت می کنیم. وی می گوید:

"سندیکا از ۵۸/۴/۲۴ شروع به کار کرده و کاملاً در جهت خواسته های کارگران فعالیت می کند. خودم سی و پنج سال سابقه کار دارم. حدود ۵۰ سال است در اینجا مشغول کارم و از حقوق و مزایا و بیمه و حق مسکن هم استفاده می کنم. افراد موقتی فقط پول کارکرد روزانه را می گیرند، یعنی هر روز کار بکنند، حقوق آن روز را می گیرند. تعطیلی جمعه و غیره به آنها تعلق نمی گیرد و بیمه هم نیستند. خواست های ما را داریم عبارتند از: ۱- ایجاد محیط بهداشتی کار، ۲- بیمه کردن تمام کارگران چه موقت و چه دائم، ۳- رسیدگی به کمبودهای کارگاه و تامین آنها از قبیل تهیه محل لباس کشی، تا هارخوری و محیط مناسب کار. این کارگران، با شرایط سخت کار خود، از هیچگونه امکانات رفاهی و بهداشتی برخوردار نیستند. می توان و باید برای آنها محیط کار مناسب ایجاد کرد. در مورد بیمه اقدامات ضروری را انجام داد و در پرداخت دیگر حقوق قانونیشان کوشید. کارفرمایان انواع فشارها را بر این کارگران وارد می کنند. مسئولین امر باید کارفرمایان را به اجرای قوانین کار و تامین حقوق کارگران وادار کنند. کارفرمایان خاطی را به مجازات برسانند و از اعمال ضدکارگری آنها جلوگیری به عمل آورند. داشتن محیط کار بهداشتی، استفاده از حق بیمه و برخوردار بودن از حداقل زندگی، کمترین کاری است که باید برای کارگران انجام داد."

روزی هشت ساعت کار می کنیم. وضع بهداشت اینجا خیلی خراب است. خودتان که می بینید، هیچ چیز ندارد حتی یک توالت، که از نظر بهداشتی ضروری است. به جز افرادی که موقتی هستند، بقیه بیمه ایسم و از مزایا استفاده می کنیم. کارگر دیگری به اسم ابوطالب اسلامی می گوید:

"من یکسال است به این کار اشتغال دارم. قبلاً آهنگر بودم. من هفتگی مزد می گیرم. سندیکای اینجا آنقدر قدرت ندارد که به تمام مسائل رسیدگی بکند. وضع بهداشت اینجا هیچ خوب نیست. سیس به کارگاه "چای خوبان" رفتم. محیط کار فرقی نمی کند. در این قسمت هم چند جوان سرگرم کار بودند. پاکسی که مارک چای را می چسباند، صحبت کردیم. اسامی رحیم است. می گوید: "۱۶ سال است در این کارگاه، یا بهتر بگویم، در این انبار کار می کنم. ماهی ۲۵۰۰ تومان دستمزد می گیرم. چون دائمی هستم، از مزایا و بیمه هم استفاده می کنم. سندیکای ما، تا آنجا که می تواند، به خواسته ها و مشکلات ما رسیدگی می کند. البته قدرت سندیکای محدود است. سندیکای ماهی دوبار تشکیل جلسمی دهد. یکی از خواسته های ما رسیدگی به وضع بهداشت اینجا است. در حال حاضر صاحبان کارگاه ها در خارج شهر انبارهایی دارند که ۱۰۰۰ متر مربع دارند و اگر بخواهند، می توانند چیزهایی که اینجا را بصورت انباری در آورده، به آنجا منتقل بکنند. من ۱۶ سال است اینجا کار می کنم، ولی تا به حال ندیده ام کسی بخواد به وضع اینجا رسیدگی کرده و محیط کار را بهتر کند." با کارگر جوانی بنام فرخ رحمتی صحبت کردیم، می گوید: "۲ سال است اینجا کار می کنم و ماهی ۲۵۰۰ تومان می گیرم. از سندیکای راضی هستم، برای اینکه افراد خوبی در آن عضو هستند و به کار ما رسیدگی می کنند. من بیمه نیستم، چون کارفرما اسم مرا وارد لیست کارگران نمی کند. به من در اینجا بعنوان کارگر موقتی کار

## در امر خودکفائی «کارخانه لیفت تراک سازی سهند» بکوشید!

هم اکنون حدود دویست دستگاه موسایل لیفت تراک از خریدهای قبلی در کارخانه موجود است، که با پایان یافتن آنها، کار تولید در کارخانه متوقف خواهد شد. در صورتی که مسئله تامین مواد اولیه کارخانه حل شود، کارخانه می تواند گام هایی در جهت خودکفائی بردارد. از جمله اینکه، اخیراً طرح هایی چون ساختن لیفت تراک های دستی و کپی کردن یک پالت تراک در دست تهیه است.

مسئولان امر با عقد قرارداد نهایی با بلغارستان همکاری بیشتری این کشور، نه تنها از متوقف شدن چرخ های کارخانه جلوگیری خواهند کرد، بلکه گام های مثبتی هم در راه خودکفائی بر خواهند داشت.

عدم تأیید کارکنان کارخانه، مجال این کار را به مدیر عامل نداد. مسئولان امر برای جلوگیری از رکود کارخانه، اقدام به خرید یک سری وسایل از کارخانه مالکان کارخانه بلارستان کردند. بدین مناسبت هیئتی از کارشناسان ایرانی برای آشنایی با کار این کارخانه، که تولیدکننده عمده و همچنین صادرکننده لیفت تراک به کشورهای سوسیالیستی است، غام بلغارستان شدند. سپس هیئتی از بلغارستان به ایران آمد و با عقد قرار دادهایی مقرر شد که دوطرف در آینده همکاری های لازم را با یکدیگر به عمل آورند.

در حال حاضر کار تولیدی کارخانه نامعین است و هنوز عقد قرارداد نهایی با بلغارستان پایان نیافته است.

در کارخانه لیفت تراک سازی سهند (تبریز) حدود دویست و بیست نفر کارگر کار می کنند. قبل از انقلاب، کارخانه قراردادی جهت ساختن انواع لیفت تراک با شرکت انگلیسی کنوین سر بسته بود. شرکت انگلیسی هم تولید کارخانه را در حد موتور و رنگ زدن لیفت تراک، ساخت چند قطعه ساده نگاه داشته بود. پس از ورشکست شدن شرکت کنوین سر، کار او به شرکت کلاپماکس انگلیسی واگذار شد. سرانجام در هنگام انقلاب، به علت رکود شدید در کار تولیدی، کارخانه مجبور به قطع رابطه با شرکت مزبور شد. پس از پیروزی انقلاب، مدیر عامل کارخانه مکوشید تا با شرکت های از کشور های ژاپن، آلمان فدرال و آمریکا قرار دادهایی منعقد کند، ولی جو ضد امپریالیستی حاکم در کشور و همچنین

فعالیت های ضد انقلابی خود مشغولند و پیوسته می کوشند که کارخانه را به تعطیل بکشند. ناگفته نماند که سیاستمداران تبریزی با زبانی دهن کارخانه شده اند. مخالف است. کارخانه است که پس از ملی شدن کارخانه، وضع حقوق و سایر مزایای کارگران به مراتب بهتر شد و سطح تولید هم به پیوجوجه پائین نیامده است. کارگران از مسئولین امر می خواهند که کارخانه همگنان ملی باقی بماند و نیز با ضد انقلابیون بطور جدی مقابله شود.

برای بازپس دادن کارخانه به صاحب قبلی ای فراهم آورند. این افراد که هر یک دارای مسئولیتی در کارخانه هستند، درست در زمانی دست به این اقدامات زدند که "خلق مسلمانی" ها به شدت در کارخانه به

کارخانه حوله باقی برق لامع، با صد و هشتاد نفر کارگر، در خیابان ۱۷ شهریور تبریز قرار دارد. صاحب این کارخانه - حاجی جواد برق لامع - از سرمایه داران بزرگ آذربایجان بود، که پس از پیروزی انقلاب، به خارج از کشور گریخت و سپس کارخانه ها و زمین های او مصادره شد. هم اکنون نیمی از سهام کارخانه در اختیار سازمان صنایع ملی و نیمی دیگر در اختیار بنیاد مستضعفان قرار دارد. مدتی است کمدهای از لیبرال ها به آنجا مختلف، سعی دارند زمینه را

## «کارخانه حوله باقی برق لامع» باید همچنان ملی باقی بماند!

# وظیفه خطر انقلابی هیئت‌های هفت نفری

از نقاط مختلف کشور ما، در چهار گوشه ایران انقلابی، آزده‌ها هزار روستا، صدای حمایت از قانون و گذاری زمین، بموجبه شورای انقلاب، و از هیئت‌های ۷ نفری امور اجرایی آن و درخواست اجرای تمام و کمال آن را از جمله بند "ج" آن - که بندی شدناست - بردستی‌های پیشرفت انقلابی مردم - خواهد شد.

مطالب این صفحه‌نامه "مردم" بازتابی است از فعالیت‌های هیئت‌ها و ضرورت ادامه کامل آن و از مشکلاتی که تا قانون اجرا شود، حل نخواهد شد.

## آفتاب نشینان «خسرو جرد» سبزوار در انتظار اجرای بند «ج»

### روزشماری میکنند

هستم که حدود ۳ هکتار زمین در آن صورت دیم می‌کارم. در این روستا حدود ۵۰۰ خانوار آفتاب نشین زندگی می‌کنند که همگی به زمین محتاجند و در انتظارند. دوتن فرزند ما لکان بزرگ این روستا در دهات دیگر نیز دارای زمین و باغ و موتورهای آب هستند، ولی حدود ۵۰۰ خانوار آفتاب نشین روستا بدون قطعه‌ای زمین در انتظار اجرای بند "ج" قانون و گذاری زمین مانده‌اند.

اکثریت اهالی این روستا بخصوص آفتاب نشین ها، قاطعانه از طرح قانون و گذاری زمین به طور کامل و بویژه بند "ج" آن پشتیبانی خود را اعلام کرده‌اند و خواستار دست بکار شدن هیئت هفت نفری در این روستا هستند.

جمهوری اسلامی ایران، بنا به گفته رهبران انقلاب امام خمینی متعلق به کوخ نشینان است و بالطبع تمام نهادهای انقلابی

روستای خسرو جرد با جمعیتی نزدیک به ۳۰۰ خانوار، در بخش مرکزی سبزوار، و بر سر جاده سبزوار به شاهرود واقع است. شغل اصلی اهالی روستا کشاورزی و محصولات عمده آن گندم و جو و زیره و انار است. زمین هست، ولی نیروی کار فاقد زمین است و هنوز هم قانون اجرا نشده است. در ده، پس از انقلاب، با کمک جهاد سازندگی سبزوار، سیم کشی برق انجام گرفته و مشکل برق برای خسرو جردی ها حل شده است. آب زراعتی روستا توسط قنات تامین می‌گردد. اگر هیئت‌های هفت نفری سریعاً تمام بندهای قانون، از جمله بند "ج" را اعطای کنند، ده آباد، زمین ها بارور و دهقانان راضی خواهند شد. با یکی از اهالی روستا، می‌کنیم. نامش تقی است او میگوید: "من یک روستایی کم زمین

## قطعنامه روستائیان هرمزگان

اسلامی و استقرار حاکمیت الله در زودتر فراهم گردد. ما نمایندگان روستائیان هرمزگان از محضر امام امت ملتصانه استعفا داریم، چنانچه مصلحت بدانند با صدور اجازت‌های جهت به اجراء آمدن بند "ج" لایحه قانون و گذاری زمین جان تازهای تکالیف خسته، ولی مومن کشاورزان ایران بدمند. حقا که مسیحا نفس توای امام ما را باید، که انفاس خوشی آن در روح خسته و دردمند ما رضوان بدمد.

● از کلیه سازمان‌های دولتی و ارگان‌های انقلابی نظیر جهاد سازندگی، دادگاه انقلاب، سپاه پاسداران و ژاندارمری تقاضا داریم که هیئت و گذاری زمین را برای اجرای صحیح قانون در روستاهای مایاری نمود، مواکفات خود را در این راه بسنج نمایند، تا هر چه زودتر این اصل مترقی اسلام در جامعه ما تحقق یابد. تا از سباهی و ظلمت برهیم. بیا امید روی کار آمدن حکومت عدل اسلامی.



بزرگسالان: بیستم، مرگموش سمری تره یا سینا نور؟؟ سرمایه‌دار وابسته: اگر وضع این طوری پیش بره، برای ما جمهوری اسلامی خطرناکترین سمه!

## روستائیان مدافع انقلاب «در جزین» هنوز تحت روابط ظالمانه ارباب رعیتی بسر می‌برند

بها نیز هنوز غیر عادلانه و بر اساس ۵۰ سال (زمین، آب، بذر، کاو و انسان) است. در نتیجه بزرگ مالک بدون کمترین زحمتی ۲ سهم (زمین و آب) را تصاحب می‌کند.

دهقانان زحمتکش در جزین دیگر نمی‌خواهند حاصل زحمت آنان بناحق نصیب بزرگ مالکان گردد و ادامه این وضع را شایسته انقلاب نمی‌دانند. یکی از دهقانان در این شماره می‌گوید: "ما چندین سال و در بعضی جاها پدر و پسر روی زمین کار می‌کنیم و تازه موقع خرمین باید محصول را با مالک زمین تقسیم کنیم.

وظیفه حساس و فوری هیئت ۷ نفری است که بساط ارباب رعیتی را از ده برچینند و مسئولیت مقامات ذمصلاح است که بند "ج" را از بندی که بدان

یکی از دهاتی که هیئت هفت نفری در سمنان باید فوراً به آن توجه کند، روستای «در جزین» ۱۲ کیلومتری شمال سمنان است. اهالی این روستا کشاورزان زحمتکش هستند که سالیان سال در زیر آفتاب سوزان به کشت و کار مشغولند. اکثر اراضی در جزین را باغ‌های میوه تشکیل می‌دهد. بخشی از زمین‌ها نیز به صیفی‌کاری اختصاص یافته‌اند. نکته مهم آنکه در این روستا هنوز هیئت و گذاری زمین کار اجرائی قانون اصلاحات ارضی را آغاز نکرده‌است و اغلب کشتکاران و باغداران، زمین و باغ را از بزرگ مالکان غاصب اجاره می‌کنند. اجاره‌بهایی که این زحمتکشان میپردازند، گاه به صورت نقدی و گاه به شکل جنسی است. شیوه پرداخت اجاره

## دهستان ابوالعباس در انتظار اجرای کامل قانون و کلیه بندهای آن است

این مالک از جمله ۵ زمیندار بزرگی است که در دهستان همیشه اغتشاش ایجاد می‌کند و چندین بار مورد خشم دهقانان قرار گرفته‌است. لیکن چون از حمایت دو شخص ذینفوذ برخوردار است، تاکنون در خصوص صادره باغ‌ها زمین‌ها و سایر موسسات در آبادان و آغاچاری و مسجد سلیمان هستند. این عده از اهالی همین دهستان هستند، که به خاطر موقعیت غلظی، تنها در تابستان جهت استفاده از آب و هوا و برداشت میوه‌ها به ده می‌آیند. اینها خرده‌مالک هستند و البته قانون متوجه آنها نیست و دهقانان زحمتکش نیز می‌دانند که خان‌ها بزرگ مالکان دشمن آنها هستند و با خرید مالکان خسومت و دعوائی ندارند. در دهستان تنها یک نفر مالک بزرگ باغدار به حساب می‌آید که در حدود ۳ باغ بزرگ دارد. مالک برای برداشت میوه‌ها از دهقانان و زنان آنها استفاده می‌کند و در عوض کارشان به آنها مقداری میوه می‌دهد.

دهستان به علت موقعیت مناسب جغرافیایی و آب فراوان رودخانه، باغداری رونق دارد. باغداران را خود دهقانان دهستان تشکیل می‌دهند. در حدود ۲۰ خانوار صاحبان باغ‌های کوچک نیز کارگران شرکت‌تک و کارمندان سایر موسسات در آبادان و آغاچاری و مسجد سلیمان هستند. این عده از اهالی همین دهستان هستند، که به خاطر موقعیت غلظی، تنها در تابستان جهت استفاده از آب و هوا و برداشت میوه‌ها به ده می‌آیند. اینها خرده‌مالک هستند و البته قانون متوجه آنها نیست و دهقانان زحمتکش نیز می‌دانند که خان‌ها بزرگ مالکان دشمن آنها هستند و با خرید مالکان خسومت و دعوائی ندارند. در دهستان تنها یک نفر مالک بزرگ باغدار به حساب می‌آید که در حدود ۳ باغ بزرگ دارد. مالک برای برداشت میوه‌ها از دهقانان و زنان آنها استفاده می‌کند و در عوض کارشان به آنها مقداری میوه می‌دهد.

دهستان ابوالعباس، یکی از دهستان‌های بزرگ بخش جانکی در ۴۵ کیلومتری شهرستان ایذه است. این دهستان بیش از یک هزار خانوار را در برمی‌گیرد. جمعیت آن بالغ بر ۶۰۰۰ نفر است. کار اصلی مردم این دهستان کشاورزی، باغداری و دامپروری است. ولی تا مسئله زمین در این روستای بزرگ حل نشود، کار کشاورزی شکوفا نخواهد شد. به همین جهت حضور و عمل هیئت ۷ نفری خواست دهقانان است.

دهستان ابوالعباس، یکی از دهستان‌های بزرگ بخش جانکی در ۴۵ کیلومتری شهرستان ایذه است. این دهستان بیش از یک هزار خانوار را در برمی‌گیرد. جمعیت آن بالغ بر ۶۰۰۰ نفر است. کار اصلی مردم این دهستان کشاورزی، باغداری و دامپروری است. ولی تا مسئله زمین در این روستای بزرگ حل نشود، کار کشاورزی شکوفا نخواهد شد. به همین جهت حضور و عمل هیئت ۷ نفری خواست دهقانان است.

**مسئله ارضی**

در این دهستان اکثریت دهقانان، زمین بصورت نسق، به اندازه‌ای که مخارجشان را تامین کند، دارند، ولی مالکیت زمین مال ارباب است. چهار الی ۵ نفر نیز هر یک دارای بیش از ۱۵ هکتار زمین هستند. این چند نفر خود قادر به کشت زمین‌ها نیستند و از دهقانان بی‌زمین بصورت کارگر روزمزد

امام خمینی: حقوق مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه‌داران بسزورت خورده‌اند، به محرومین باز پس داده می‌شود.

# چاه ویل مسابقه تسلیحاتی

چندی پیش، ج. ماک گارون - سناتور آمریکا نی طی مقالهای وجه تشابهی را بر میان آورد که بقدر کافی آموزنده است. سناتور آمریکا نوشت که، در یکی از قبائل سرخ پوست، که زمانی در کرانه های اقیانوس آرام می-زیستند، رسمی جاری بود، زیر عنوان "مسابقه شایسته". این رسم در آغاز چنین بود که، داوطلبان احزاب مقام ریاست قبیله، با یکدیگر "مسابقه شایسته" ترتیب میدادند. هر کدام شایسته تر، به افراد قبیله هدایای بیشتری بدهد، برنده مسابقه و رئیس قبیله میشد. این رسم طی زمان بصورت مسابقه در "اسراف" تغییر ماهیت داد. هدایای آتش ریخته می شد، هر کس بیشتر مال و اموال طعمه اش میکرد، برنده بود. مسابقه تسلیحاتی، بمنوشه ج. ماک گارون، از لحاظ پیامدهای اقتصادی، شباهت زیادی به این رسم دارد.

در واقع نیز، هزینه های نظامی در جهان، در سال ۱۹۸۰، بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار بود. بر این رقم، در سال ۱۹۸۱، مبلغی در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار افزوده خواهد شد. بر این نتیجه، هزینه های نظامی در جهان به مبلغ ۶۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید.

اما در جهان سالانه ۳۰ تا ۴۰ میلیون انسان از گرسنگی - آری از گرسنگی - می میرند. در جهان ۸۰۰ میلیون انسان بگلی میسوزاند و در جهان قریب یک میلیارد ۵۰۰ میلیون انسان از ابتدائی ترین خدمات بهداشتی محرومند. در حالی که، بنا به محاسبات کارشناسان سازمان ملل متحد، برای پایان دادن بگرسنگی، لغویبوساوی و غلبه بر بسیاری از بیماریها، کافی است که ۱۰ درصد هزینه های نظامی، مصرف شود.

بنظر میرسد که تنها بیان این واقعات کافی است برای رسیدن به این نتیجه مقول که، پس باید هزینه های نظامی تقلیل داده شوند و مقداری از این مبالغ هنگفتی که به چاه ویل مسابقات تسلیحاتی فرو ریخته میشود، صرف امور اجتماعی گردد.

ولی در جهان سرمایه داری محافل ذینفوذ و قدرتمندی هستند که با این نتیجه گیری مخالفند. بسیاری از سودگران، سیاستمداران، اقتصاددانان و گردانندگان دستگاه تبلیغاتی، مدعیند که چنین کاری شدنی نیست. از آن باید احتراز کرد، وگرنه مرغ "سرمایه" دیگر "تخم طلائی" نخواهد داد. انسان مدعیند که گسترش تدارکات نظامی باعث رشد اقتصادی و افزایش اشتغال است و در آخرین تحلیل موجب رفاه میگردد. البته اینکه مسابقه تسلیحاتی برای پادشاهان "توب" منبع سودهای کلان است، هیچکس شکوتزدین ندارد. و اما اینکه مسابقه تسلیحاتی چیمیا مد هائی برای دیگر اقشار جامعه دارد، پرستی است که برای یافتن پاسخ آن بجاست بمنوشه آمریکا بنگریم که از لحاظ هزینه های نظامی مقام اول را در جهان داراست.

## چشم پندازی نیست

طرفداران مسابقه تسلیحاتی مدعیند که افزایش هزینه های نظامی باعث توسعه تولید جنگ افزار و دیگر وسائل نظامی است و بنا بر این باعث ایجاد کار برای کارگران و توسعه اشتغال است. و اگر مسابقه تسلیحاتی محدود شود، موسسات تولیدات نظامی تعطیل خواهند شد و این باعث اخراج کارگران و

توسعه بیکاری خواهد گردید. یک چنین استدلالی، در نظر اول، بی منطق جلوه نمیکند. بویژه وقتی در اثبات این دعوی مثال هائی نیز ذکر میشود. از جمله مثلا میگویند که آلمان هیتلری با نظامی کردن اقتصاد بیکاری را در آلمان از بین برد. و نیز میگویند که در ایالات متحده آمریکا، در جریان جنگ دوم جهانی، با افزایش هزینه های نظامی، رشد صنعتی و رفح بیکاری حاصل آمد.

بدیهی است که برای تولید جنگ افزارها، نیروی کار ضرورت است. ولی این امر بدیهی ایدا بمعنای آن نیست که نظامی کردن اقتصاد، علاج بیکاری است. بحران بزرگ اقتصادی سال های ۳۰ بوسیله گسترش تولیدات نظامی رفع نشد. اگر آن ۸۰ میلیارد دلاری که دولت آمریکا سالانه در سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ صرف امور نظامی کرد، بمصرف امور اجتماعی - خانماری، بفرستید و ساختن راه، بهر مگیری از ثروت های طبیعی و غیره می رسید، حاصل آن از لحاظ رفح بیکاری به مراتب بیشتر میبود.

در سال های ۶۰ و ۷۰، لئونتیف، اقتصاد دان مشهور آمریکا و برنده جایزه نوبل چنین محاسباتی را ارائه داد: اگر هزینه های نظامی پنتاگون به میزان ۸۰ میلیارد دلار کاهش یابد، ۲۵۴ هزار کارگر، کار خود را از دست خواهند داد. ولی اگر همین مبلغ در بخش اجتماعی مصرف شود، ۵۴۲ هزار کارگر به کار جلب خواهند شد، یعنی در نتیجه این تغییر محل مصرف مبلغ ۸۰ میلیارد دلار، ۲۸۸ هزار نفر از بیکساران در ایالات متحده گامه خواهند شد.

در سال ۱۹۷۵ در شیکاگو یک کنفرانس ملی برای کاهش هزینه های نظامی برگزار شد که در آن "بودجه صلح" مورد بررسی قرار گرفت. طراحان "بودجه صلح" پیشنهاد کردند که از نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا یک میلیون نفر گامه شود. هزینه های نظامی به مبلغ ۵۸ میلیارد دلار تقلیل یابد. در طرح "بودجه صلح" کاهش در هزینه های سازمان جاسوسی مرکزی آمریکا (سیا) و پلیس فدرال (اف. ای. بی. ای) در نظر گرفته شده بود. مجموعا پیشنهاد شد که هزینه های امور اجتماعی و صلح به مبلغ ۱۲۵ میلیارد دلار افزایش یابد. اگر این "بودجه صلح" از سوی زمامداران ایالات متحده آمریکا پذیرفته میشد، بنا به محاسبه طراحان آن، اشتغال برای ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار کارگر افزایش می یافت. در این طرح ضمنا، بر مبنای محاسبه، تاکید شده بود که اجرای "بودجه صلح" کمترین زیانی به امنیت کشور و قدرت دفاعی وارد نمی آورد.

یکی از آخرین بررسی ها که در این زمینه بعمل آمد، از سوی سناتور آمریکا ای. ادوارد گندی است. وی در این بررسی به این نتیجه رسید است که اگر بودجه پنتاگون در سال ۱۹۸۰ به مصرف امور اجتماعی می رسید، آزار دوی بیکاران در ایالات متحده آمریکا، یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر گامه میشد. ارقام بررسی هائی که از سوی آمریکا نشان در این زمینه بعمل آمده، گوناگونند. این تفاوت در ارقام طبیعی است، زیرا در زمان های مختلف، وضع

اقتصادی آمریکا، "وزن" دلار و نیز شیوه تحقیق دانشمندان متفاوت بود. اند. ولی همه بررسی های جدی همک نتیجه رسیدند و آن اینکه: کاهش هزینه های نظامی و افزایش هزینه های امور اجتماعی، موجب افزایش اشتغال است. و این ناشی از خصوصیت صنایع نظامی است که تفاوت آن با دیگر رشته های صنعتی در این است که، سرمایه گذاری - های کلان تری و نیروی کار کمتری می-طلبند.

دعوی طرفداران افزایش هزینه های نظامی رانه فقط تئوری، بلکه عمل نیز رد میکند. بنابه ارقام رسمی، در این دوران افزایش قیمت ها ناچیز - بطور متوسط ۱/۱ درصد شد. در عوض جنگ و پنتام و گسترش مرحله مرحله حلقان باز باعث شتاب تورم شد. تورم را از ۲ درصد به ۶ درصد به پیش راند، میزان تورم به برابر شد.

اما پایان جنگ تجاوزی پرویتام برخلاف پایان جنگ دوم جهانی و پایان تجاوز بر کره، باعث کاهش میزان تورم نشد. آهای این حالتی استثنائی در قاعده کلی بود؟ نه، ایدا! بر مکن، این حالت تأیید قاعده بود. پس از جنگ دوم جهانی و سپس از جنگ کره، هزینه های نظامی کاهش یافتند و در نتیجه تورم مهار شد، اما پس از جنگ و پنتام هزینه های نظامی کاهش داده نشدند که سهل است افزایش نیز داده شدند و در نتیجه سرصعودی تورم ادامه یافت. هیل پروتور - اقتصاد دان مشهور آمریکائی میگوید:

بخوا هم به تورم پایان دهیم، می-بایست شیر عظیم هزینه های دولتی را در امور نظامی ببندیم.

است و این کسری را بوسیله "فروش اوراق قرضه دولتی" جبران میکند، که بر حجم بدهی دولت بی-تقصی - افزایش - (وام دولت در این اواخر ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار افزایش یافته است) دولت آمریکا، بزرگترین بدهکار در سراسر جهان است. اگر در سال ۱۹۷۰ مبلغ بدهی دولت آمریکا ۳۸۱ میلیارد دلار بود، این رقم در سال ۱۹۸۰ به حدود ۹۰۰ میلیارد دلار رسید. در آخرین تحلیل، در این بازی نیز، این مالیات دهندگان هستند که می-بازند، زیرا این بدهی ها و نیز بهره آنها باز محاسب درآمد حاصل از مالیات ها پرداخت شدنی است، یعنی این بار بدهی دولتی نیز بر دوش اهالی و نه فقط نسل امروزی، بلکه نسل های آینده است.

این وضع که ایالات متحده آمریکا مجبور است از بازارهای جهانی بنود رقابتی خود عقب نشینی کند و قدرت

پر کرده مالیات دهند

در استیکلم بیکر مجالسی هست: مرد کوچک اندام و نحیفی جسد بزرگ حاکم شهر را بر کرده دارد و زیر آن به تاشده است. کسی نمیداند که این مرد کوچک اندام کیست، ولی سودی هیا آمریکا (سیا) و پلیس فدرال (اف. ای. بی. ای) در نظر گرفته شده بود. مجموعا پیشنهاد شد که هزینه های امور اجتماعی و صلح به مبلغ ۱۲۵ میلیارد دلار افزایش یابد. اگر این "بودجه صلح" از سوی زمامداران ایالات متحده آمریکا پذیرفته میشد، بنا به محاسبه طراحان آن، اشتغال برای ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار کارگر افزایش می یافت. در این طرح ضمنا، بر مبنای محاسبه، تاکید شده بود که اجرای "بودجه صلح" کمترین زیانی به امنیت کشور و قدرت دفاعی وارد نمی آورد.

رقابت را در فروش کالا دست میدهد، واکنش دردناکی را از سوی آمریکا نشان برانگیزد. در یکی از شماره های مجله "یونایتد سیتی نیوز اند رپورت" (سیتا بر ۱۹۸۰) مصاحبه ای با رئیس شرکت "مونسیپال آیتسنس" کریوینشن چاپ شده است. نامبرده کمکی از اقتصاد دانان نامی بشمار میروند، در پاسخ به این پرسش که: چرا ایالات متحده آمریکا مواج خود را در برابر رقابت از دست میدهد، می-

گوید: "ما بار هزینه های، مثلا هزینه های دفاعی را بر دوش داریم، که نمی-بایستی داشته باشیم. در واقع نیز اقتصاد آمریکا در عرصه نظامیگری از مرزی گذشته است که هنوز دیگر کشورهای رشد یافته سرمایه داری به آن نرسیده اند. ولی کشورهای اروپای غربی، که در این عرصه از ایالات متحده آمریکا عقب مانده اند، "تیمز" اکنون عواقب منفی تدارکات نظامی را احساس می-کنند. با مسئله افزایش بودجه های نظامی به مبلغ سالانه سه صد و بیست و دو میلیارد دلار بود، این رقم در سال ۱۹۸۰ به حدود ۹۰۰ میلیارد دلار رسید. در آخرین تحلیل، در این بازی نیز، این مالیات دهندگان هستند که می-بازند، زیرا این بدهی ها و نیز بهره آنها باز محاسب درآمد حاصل از مالیات ها پرداخت شدنی است، یعنی این بار بدهی دولتی نیز بر دوش اهالی و نه فقط نسل امروزی، بلکه نسل های آینده است.

چیمس تریوس - سراق اقتصاد دان مرکز اطلاعاتی واشنگتن در مسائل نظامی، باسنجشی تمام جنبه های "مثبت و منفی" نظامیگری، به این نتیجه رسیده است:

"آمریکا کشوری است دچار دشواریهای جدی اقتصادی. کشور مشکل بتواند با امروز هزینه های



برنامه تیوع امیز «پنتاگون» موضوع: نابودی اتحاد شوروی، پشتیبان اصلی مبارزات آزادیبخش خلق های جهان فلسطین، خاورمیانه، آتیوی

نظامی را تحمل کند. اگر این هزینه ها باهازم افزایش یابند، کشور با خطر قاعده روبرو خواهد شد. بدگر سخن، حتی کشور شروتمندی مانند آمریکا نمی-تواند سالانه صدها میلیارد دلار را به چاه ویل نظامیگری بریزد بدون اینکه دچار عواقب وخیم آن گردد. (اقتباس از مجله "عصر جدید"، چاپ شوروی شماره ۵۱، سال ۱۹۸۰)

## نمایشگاه عکس در رودسر

از طرف اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران در رودسر، نمایشگاه عکس در این شهر دایر شد. این نمایشگاه با استقبال مردم شهر، بویژه جوانان روبرو شد.



## نمایشگاه عکس در بندرانزلی

از طرف اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران در بندرانزلی، نمایشگاه عکس از توپخانه های امپریالیسم آمریکادر این شهر دایر شد. این نمایشگاه مورد استقبال اهالی بندرانزلی، به خصوص دانش آموزان این شهر قرار گرفت.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

# تا آخرین لحظه بازمی گوئیم: مرگ بر آمریکا!

☆ سرمایه‌داران و تجار، برای فلج کردن دولت، دست به کودتای اقتصادی زدند.  
☆ با خروج مهندس یازگان و ۱۱ نماینده دیگر، مجلس از اکثریت افتاد و در مورد طرح سرپرستی سهوزارتخانه رای گیری نشد.  
☆ سندقلابی، سندمشروعه‌یت مالکیت مالکان بزرگ نیست، سندواقعی‌یتن پهنه‌یست‌استضعفان است.  
☆ در سخنرانی امجدیه و دانشگاه، شعار «مرگ بر آمریکا» داده نشد.

## این هفته در «نامه مردم» بزبان کردی میخوانید:

- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران:
- توطئه هتم آمریکا درخالد اجراست.
- امام خمینی: زبانهای غیر-شتمند اشخاص دارند دیکتاتوری می‌کنند و می‌خواهند روحانیت را و جمهوری اسلامی را ضعیف کنند.
- امیرالیسم، به سرکردگی آمریکا، مجری فردرسم بین المللی
- در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بسیاری تشبیه، تحکیم و گسترش انقلاب، تمامین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی ضرورت حیاتی دارد.
- روز ۸ مارس (۱۷ اسفند)، روز همبستگی زنان جهان را به زنان خلق کرد و همه خلقهای برادری ایران، شادباش می‌گوئیم.
- پیام شادباشی کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال به مناسبت شصتمین سال تأسیس حزب آکونیست پرتغال (۱۴ اسفند ۱۲۹۹)
- پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کار سوشلیست یمنه‌مناسبت شصتمین سال تأسیس حزب کمونیست سوئیس ۱۵ اسفند ۱۲۹۹ (از سال ۱۳۲۲: حزب کار سوشلیست)
- اصطلاحات سیاسی-اجتماعی - شعر

خروج ۱۲ تن از نمایندگان از جلسه مجلس از اکثریت خارج شد و توانست رای گیری را انجام دهد. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی با اشاره به این وضع، گفت:

طیبا دمکراتیک می‌چسبند، می‌خواهند از مجلس بیرون بروند و مجلس از اکثریت بیفتد... اینها با ابتکار خود حق همه را ضایع می‌کنند. اینها که می‌گویند در مجلس حق ما ضایع می‌شود، بدانند که از این به بعد مظلوم‌نمای در این مملکت خریدار نخواهد داشت.

وی همچنین توضیح داد که تمامی این افراد، طبق آئین‌نامه، ملت عدم حضور هنگام رای گیری، توبیخ می‌شوند.

توکلی، منشی مجلس، اسامی این افراد را به شرح زیرین قرائت کرد: اخوانی- توفی- غضنفریور- منهنس یازگان- یانی- منوجیری - شهاب معزودی سرنگی- صابغیان- معین‌فر- سامی - سلاتیان - عالی پور.

در پایان جلسه دیروز، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، راه حل این قضیه را انجام هزینه سرپرستی انتخابات میان‌دورهای در شهرهای کشور ذکر کرد و از وزارت کشور خواست که در این جهت به سرعت اقدام کند.

جلسه بعدی روز چهارشنبه (امروز) تشکیل می‌شود.

### در حاشیه...

#### درباره ۱۲ نماینده

پس از خروج ۱۲ تن از نمایندگان برای از اکثریت انداختن جلسه مجلس، که مورد اعتراض شدید بیشتر نمایندگان قرار گرفت، عده‌ای از نمایندگان خواستار ارسال دوباره پرونده‌های آنان به کمیسیون تحقیق شدند. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در این باره، ضمن توضیحی، از جمله گفت:

«این مسئله به بعد مربوط می‌شود.»

#### طرح‌های آئینده برای

##### اوستروکسیون

خروج ۱۲ تن از نمایندگان باعث خشم و اعتراض شدید بیشتر نمایندگان شد. از جمله حجت‌الاسلام ناطق نوری گفت:

«طبق اطلاعی که ما داریم این آقایان این طرح را از قبل داشتند و برای بدنامی از این طرحها دارند که ما هر طرح انقلابی بخواهیم به مجلس بیاریم، آنها استعفا بدهند.»

##### شعارهای مردم

در موقع خروج ۱۲ نماینده از محوطه مجلس، جمعی که بر مقابل در خروجی مجلس گرد آمده بودند، شعار می‌دادند: مرگ بر لیبرال، مرگ بر مائوئیست، مرگ بر آمریکا!

##### ترجیح می‌دهم «احساساتی» بمانم

مصطفی لیززی، نماینده بجنورد، ضمن سخنانش گفت: «بعضی‌ها مرا احساساتی خوانده‌اند. اگر دفاع از محرومین و بی‌زمینها احساساتی بودن است و عاقل بودن دفاع از زمینداران بزرگ من ترجیح می‌دهم تا آخر عمر احساساتی بمانم و عاقل نشوم»

نواقص ادامه یابد و حاکمیت ما در طرح و اجرای برنامه‌های انقلابی تزلزل نشان دهند، حمایت توده‌های وسیع محروم را از دست خواهد دادند.

ناطق سپس با اشاره به اینکه انقلاب برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از پشتیبانی توده‌ها، باید در جهت منافع آنان حرکت کند. درباره مسائل فملی انقلاب گفت:

«اگر دولت در مسائل عده سرانجام به همان میانه‌روی‌هایی بفتد که دیگران در قبل می‌گفته، آیا خواهد توانست مسئولیت خویش را حفظ کند؟ در حال حاضر مسئله مالکیت اراضی شهری، دولتی کردن بزرگاری خارجی و گفتگوهای در تبدیل ثروت در جریان است. اگر قوانین به نفع ثروتمندان باشد، وضعی بوجود می‌آید که قابل برگشت نخواهد بود. ما برای خلاء قانون وضع نیکیم، بلکه برای واقعیت و واقعیت ایست که کسانی که زمینهای کلان‌دارند، نامشروعیت مالکیتشان معزز است. سندهای قلابی آنها، سند مشروعیت مالکیتشان نیست، سند واقعی سندهای پهنه‌یست مستضعفان است.»

پس از پایان سخنان پیش از دستور، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس به سالکرد درگفتش سید جمال‌الدین اسدآبادی اشاره کرد و در این مورد سخنانی گفت.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و طرح سرپرستی وزارتخانه‌های بی وزیر مطرح گردید. در اینجا کلام موسوی بجنوردی خواستار مسکوت ماندن این لایحه شده که پس از بحث موافق و مخالف، مسکوت ماندن آن از سوی نمایندگان رد شد. سپس اصل طرح برای بحث نمایندگان قرائت شد و چند تن از نمایندگان در موافقت و مخالفت با آن سخن گفتند.

حسین هراتی، از جمله موافقان طرح، ضمن اشاره به «توفه کودکی اقتصادی برای فلج کردن دولت» که از سوی سرمایه‌داران و تجار بزرگ عملی می‌شود، هاز لزوم انتخاب هرچه سریعتر وزیر بزرگاری و رسیدگی دقیق این وزارتخانه به وضع سرمایه‌داران بزرگ وابسته دفاع کرد.

وی ضمن اشاره به سخنان مخالفان طرح، که حواقب خطرناکی برای تصویب این طرح برشمرده بودند، گفت: «حواقب خطرناکی از این بالاتر که ریگان به فکر افتاده، دولت رجانی را ساقط کند. خطر از این بالاتر که آمریکا، همان تشه‌ای را که در شیلی یاده کرد، اکنون می‌خواهد در ایران یاده کند؟ یعنی از یکسو بخش فحش‌نامه‌ها و از یکسو برپا کردن اقتصادها»

پس از پایان سخنان نمایندگان موافق و مخالف با طرح، برای کلیات طرح اعلام رای گیری شد. در این هنگام، به علت

سیاسی عقب‌نشینی کند از در برانی، از پنجره وارد می‌شود. از پنجره برانی، از راه دیگر می‌آید. من از این می‌ترسم که این درگیریها ما را به اعتراف بکشاند و یک روزی بیدار شویم و ببینیم فرصت از دست رفته و هیچکاری نمی‌توانیم بکنیم.»

دومین ناطق جلسه دیروز، مصطفی لیززی، نماینده مردم بجنورد، درسخنان خود به سیستم استعماری امیرالیسم اشاره کرد از جمله گفت:

«استکبار جهانی، پروژه آمریکایی جهانخواه و شرکایش از اروپا تا ژاپن، به غارت دسترغ مردم جهان همچنان ادامه میدهند و با برنامه‌ریزیهای استعماری و به برای گرسنگی بیش از ۳۰۰ میلیون جهان و به قیمت مرگ صدها هزار کودک، زندگی کیفی خود را ادامه می‌دهند.»

وی با اشاره به بیروزی انقلاب ایران به رهبری امام خمینی، گفت:

«برخورد هر فرد مسئول و متعهد با انقلاب باید با دقت نظر گرفتن کلیت انقلاب باشد. درست است که توافقی کوچک و بزرگ و وضعی عده‌ای در مسئولان نهاده‌ها وجود دارد. درست است که گفتگویی تقریباً و خودمعبوریه، آتی برای جامعه شده است. اما اگر بیکی حرکت دفاعی درباره نواقص رو در روی کلیت انقلاب قرار بگیریم، خیانت تاریخی غیرقابل جبرانی مرتکب شده‌ایم»

#### سندواقعی، دستان پهنه‌یست مستضعفان است

نماینده بجنورد سپس، ضمن اشاره به حوادث ۱۴ اسفند و محکوم بودن چاق‌داری و چماق‌کشی در هر شکلی، سخن گفت. او آنگاه به نوشته روزنامه‌گاردین درمورد اینکه «لیوزیسیون ایران»، «بفیر از دو گروه، برای تشکیل یک «حکومت دمکراتیک» به توافق رسیده‌اند، پرداخته از جمله اظهار داشت:

«من تصور میکنم تمامی این ماجراها، در رابطه با جریاناتی مشابه به جریانات تلخ دوران مشروطیت است. متأسفانه تشه‌ها بقدری ماهرانه است که رئیس جمهور هم وسیله قرار میگردد. متأسفانه تزلزل دولت و ارگانها در اجرای مازوی انقلابی، لبرنامه‌گی، خودمعبوری و منزوی کردن و تصفیه صادق‌ترین جوانها یا برچسب‌های ناچسب، تصب، برنامه‌هایی بریافته‌های خود به عنوان معیار حق و در نتیجه رشد فرصت‌طلبان به جای کمک به تداوم انقلاب، به رشد نیروهای اپوزیسیون کمک می‌کند و خطر جدی برای انقلاب ما بوجود می‌آورد.»

وی سپس با اشاره به مشکلات اقتصادی مملکت گفت: «من الان اعلام خطر میکنم. اگر این

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، درسخنان پیش از دستور نمایندگان خواستار اجرای سریع طرح اصلاحات ارضی، ملی کردن بازرگانی خارجی و تعدیل ثروت شدند. نخستین ناطق قبل از دستور این جلسه، احمد عطاری بود که درخصوص لزوم حضور وحدت سخن ناطق‌ومندی قبل از دستور، رهامی، از جمله گفت:

«نمایندگان می‌توانند در کلیه مسائل مملکت اظهار نظر کنند. نمایندگان می‌توانند دولت را ساقط کنند، می‌توانند کلیات سیاسی ریاست جمهور را مورد سؤال قرار دهند و اگر نداشت رای به عدم کلیات سیاسی بدهند. اینها خودشان بیشترین مسئولیت را در مملکت دارند.»

رهامی سپس، ضمن اشاره به جنگ تحمیلی و سدمات فاشی از آن به جمهوری اسلامی ایران، گفت:

«توافقی دست‌اندرکارند که توجسه عمومی را از خرمشهر، از سوسنگرد که ۴۰ کیلومتر با دشمن فاصله دارد، از آبادان، که فقط ۶ کیلومتر با دشمن فاصله دارد و هر روز امکان آن را دارند که مانند خرمشهر تصرف بشود و جمعیت آتجا قتل‌عام شوند و دیگر شهرهایمان، به درگیریهای داخلی مملو می‌کنند. گروه‌های وابسته، ورشکستگان سیاسی، تجار گردن کلفتی که سالهای سال در این مملکت چاییدند و حالامی‌بینند که با اجرای قانون اساسی منافشان به خطر می‌افتند. زمینداران بزرگ که سالهای سال بر مال و ناموس مردم حاکم بودند یا اجرای طرح تقسیم‌اراضی اسلامی، منافشان به خطر افتاده، همه و همه دست‌اندرکارند و متحد شده‌اند.»

نماینده مردم خدابنده سپس، ضمن اشاره به اینکه باید با قلمبیت با این افراد برخورد شود، گفت:

«ما وقتی می‌آیم قانون ملی شدن بزرگاری خارجی را مطرح می‌کنیم، وقتی می‌آیم قانون اراضی شهری را مطرح می‌کنیم، و یا هر قانون دیگری که به منافع طبقات حاکم، که سالهای سال در این مملکت حاکم بودند، درگیریها شروع می‌شود...»

وی آنگاه، ضمن اشاره به اینکه در سخنرانیهای امجدیه و دانشگاه تهران یک یار هم علیه آمریکا شعار داده نشد گفت: «اینها را که می‌گویند ما ضد آمریکا، ضد استعمار، در سخنرانی دانشگاه تهران، در سخنرانی امجدیه، حتی یکبار مرگ بر آمریکا نگفتند. ولی ما فراموش نمی‌کنیم. اگر بمباران اتمی هم بشود، ما فراموش نخواهیم کرد. تا آخرین لحظه بازمی‌گوئیم مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا. آمریکا بنظور نیست که با یک فرند

### قیمت گاز مایع در گناوه افزایش یافت

په‌نیال اقدام فرماندار شهرستان گناوه در مورد بازس - گزتن پختن گاز مایع از نمایندگیها و سپردن آن به‌مست واسطه‌ها، قیمت گاز مایع در این شهرستان از ۲۷۰ ریال به ۳۵۰ ریال رسید. البته باید متذکر شد که هدف از این اقدام به‌کار - گماردن تعدادی از یککاران بوده لیکن حاصل کار نشان داد که این تدبیر مناسب نبوده‌است. ما از مقامات مسئول می‌خواهیم که در این مورد تجدیدنظر کنند و با کنترل قیمت گاز مایع، از افزایش قیمت آن جلوگیری کنند

## در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!

# توطئه جدید سرمایه داران فراری و قاچاقچیان ارز در کویت علیه انقلاب ایران

★ هدف این توطئه جدید، ضربه وارد کردن به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و فلج کردن آن است.

سرمایه داران فراری ایرانی و قاچاقچیان ارز اخیراً در کشورهای خلیج فارس و از جمله کویت، در کنار توطئه های گوناگون خود علیه جمهوری اسلامی ایران، دست به اقدام تخریبی جدیدی برای لطمه زدن به اقتصاد ایران زده اند. همانطور که خوانندگان نامه مردم بخاطر دارند، در شماره ۴۴۹، مورخ ۲ اسفند ۵۹، در مطلبی پیرامون فعالیت ضدانقلابی سرمایه داران ایرانی مقیم کویت، از جمله به این مطلب اشاره شده بود که این سرمایه داران برای هر چه وابسته کردن کارگران ایرانی به خود، پول کارگران را می گیرند و به آنها حواله می دهند که پول خود را مثلاً در فلان بانک در ایران دریافت کنند. باید متذکر شد که این کارگران اکثراً کشاورزان عربزبان جنوب هستند، که بملت سیاستهای ضد مردمی رژیم گذشته ورشکست شدند و برای یافتن کار با گذرنامه و گاهی هم بدون آن، به کشورهای اطراف خلیج فارس و منجمله کویت رفتند. حقوق این کارگران غالباً به پول همان کشورها پرداخت می شود. در این جاست که اقدام سرمایه داران و قاچاقچیان ارز علیه اقتصاد جمهوری اسلامی ایران آغاز می گردد. آنان که متقاضی هنگفتی پول در داخل و خارج کشور دارند، این کارگران را به قیمتهایی بالاتر از قیمت رسمی خریداری می کنند. به این ترتیب، از سوسوی یونانی را که از خزانه مملکت به بیجاور برده اند، بدون هیچگونه دردسری با ارز کشور مورد نظر خود تویض می کنند و از سوسوی دیگر مانع ورود ارز خارجی به ایران و ورود مقادیر هنگفتی پول ایرانی به داخل کشور می شوند. افراد ضدانقلابی مزبور برای انجام این عمل بیروشنهای زیرین متوسل می شوند:

- ۱- اگر این سرمایه داران فراری هنوز دارای حساب بانکی مسدود نشده در بانکهای ایران باشند، با کسبند چک، عمل بیادله پول ایرانی یا ارز خارجی را انجام می دهند. البته با توجه به اقداماتی که در جهت مسدود کردن حسابهای طاقوتیان فراری انجام گرفته است، این شیوه اکنون کمتر مورد استفاده قرار می گیرد.
- ۲- با دادن حواله به فروشنده ارز، دریافت پول ایرانی را به یکی از خویشاوندان خود در ایران، که نقدینه آنان را نگاهداری می کند، واگذار می کنند.
- ۳- در صورتی که هیچکدام از راههای بالا

ممکن نباشد، آنان معامله را بطریق مستقیم انجام می دهند، بدین معنی که، با کسبند حواله های مقدار پول ایرانی هم ارزشی با ارز خارجی را به فروشنده در ایران پرداخت می کنند و خود نیز، بتوانند دلال ارز قاچاق، میلیتی از ارز مورد معامله را صاحب و بقیه را، بنا به توافق به حسابهای دیگری کسند ریال در کشور کویت و یا در هر نقطه دیگری که امکان داشته باشد، بصورت ارز واریز می کنند.

بدین ترتیب، ارزی که باید در مقابل کار اتباع ایرانی در کشورهای منطقه، برای تقویت اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به کشور وارد شود، به جیب قاچاقچیان ارز واریز می شود. این موضوع هنگامی اهمیت ویژه کسب می کند که بدانیم این کارگران، در طول سال، چندبار به ایران می آیند و در ایران، ریال مورد طلب خود را از شخص تعیین شده دریافت می کنند، در حالیکه در مقابل، کمترین ارزی با خود نمی آورند. جالب توجه اینجاست که این کارگران هنگام بازگشت به کشورهایی که در آن بکار مشغولند و از جمله کویت، تا قبل از شروع جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران، میلیتی ارز هم از بانک مرکزی دریافت می کردند، به به گفته خودشان، دیدار کویتی را، که در ایران به قیمت ۲۶۰ ریال خریداری می کردند، در آن کشور تا مبلغ ۵۰۰ ریال می فروختند.

با توجه به مطالب فوق، بر مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران و بخصوص مسئولین بانک مرکزی ایران است که با قاطعیت و سرعت عمل کنند و از ضروری فاشی از مسیبه های تازه ضدانقلابیون جلوگیری بعمل آورند. از جمله برای خنثی کردن این عمل ضدانقلابی آنان، با تحقیق سفارتخانه های ایران در کشورهای منطقه، میزان متوسط حقوق کارگران ایرانی در آنجا را محاسبه کرد و هنگام بازگشت این اقوام ایرانی، آنان را متعهد به پرداخت ارز و تبدیل آن به پول ایرانی در بانک ملی ایران کرد و در صورتیکه از این عمل خودداری کنند، از خروج دوباره آنان از کشور جلوگیری بعمل آورد.

امیداست که مسئولین، با توجه به عواقب ادامه این اقدامهای تخریبی سرمایه داران فراری به سرعت اقدامات لازم را جهت خنثی کردن آن بعمل آورند.



## گسترش روابط بریتانیا با دارو دسته صدام حسین

وزیر خارجه دارو دسته صدام حسین دیداری سه روزه را از بریتانیا آغاز کرده است. وی، با خانم تاجر و لرد کریستون، وزیر خارجه بریتانیا، دیدار و گفتگو خواهد داشت.

بگفته ناظران سیاسی، در این دیدارها علاوه بر مذاکرات پست پرده درباره جنگ تجاوزی صدام علیه ایران، بویژه گسترش روابط میان دو کشور مطرح خواهد شد.

## کشتار میمنه دوستان در السالوادور ادامه دارد

کلیسای کاتولیک، بی اعلامیه ای که در شهر مکزیکو انتشار داده، به کشتار میمنه دوستان در السالوادور اعتراض کرد. در این اعلامیه آمده است که ۵۳۴ تن از اهالی کشور، کما کثراً روستائی هستند، در هفته گذشته به قتل رسیده اند. عملیات سرکوب جنبش میمنه - دوستان این کشور توسط واحدهای نظامی و انتظامی انجام میگیرد، که مستشاران نظامی آمریکائی فرماندهی آنان را بر عهده دارند.

در این اعلامیه گفته میشود که شهرها و روستاهای استان شرقی السالوادور بوسیله واحدهای نیروی هوائی با بمبهای آتیرزا و قسفری که آمریکا در اختیار رژیم السالوادور گذارده، به آتش کشیده شدند و عده کثیری از اهالی این نواحی نابود شدند.

## حتی دول امپریالیستی متحد آمریکا از ماجراجویی ریگان نگرانند

هنس دیریش گستر، وزیر خارجه جمهوری فدرال آلمان، روز دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۵۹ وارد واشنگتن شد. وی، از جمله، مذاکراتی بگفته خبرگزاری «رویتر»: «هنس دیریش گستر مصمم است تا نگرانی خود را از سر برداشتن مناسبات اتحاد شوروی و آمریکا» به ریگان ابراز دارد.

هلوت شامیت، صدراعظم جمهوری فدرال آلمان، در آستانه سفر وزیر خارجه این کشور به آمریکا، در یک گفتگوی رادیویی گفت که استمرار موشک های هسته ای جدید میان برد آمریکا در دریای غربی قلمی نیست و میتوان با مذاکره با اتحاد شوروی از آن خودداری کرد.

## وزیر دفاع آمریکا: ایالات متحده حضور نظامی خود را در خلیج فارس کماکان گسترش خواهد داد

وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا در تلویزیون این کشور سخنانی ایراد داشت، که خبرگزاری «فلس» آنرا «نشانه تصمیم دولت آمریکا درباره توجیه صابته تسلیمات» نامیده است.

وزیر دفاع آمریکا گفت که «ایالات متحده آمریکا حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس و در جنوب خاوری آسیا گسترش خواهد داد».

یادآور میشود که تمرکز نیروهای هوایی - دریایی آمریکا در خلیج فارس، هم اکنون به ابعادی بی سابقه رسیده است. وی ضمن اشاره به مسئله استقرار سلاحهای نوترونی در اروپای باختری، اعتراف کرد که این طرح با اعتراضهای سخت روبرو شده است.

## انقلاب ثور (آوریل) در افغانستان، سر آغاز سرنوینی و انقراض نظام فئودالی در این کشور بود

هشت نمایندگی «جامعه جوانان سوسیالیست ژاپن»، که در ماه دسامبر سال گذشته (مسیحی) به جمهوری دموکراتیک افغانستان سفر کرده بود، یادداشتها و خاطرات این سفر را بصورت کتابی گردآوری کرده و منتشر ساخته اند. مولفان این کتاب، یامازوداکی، رئیس پیشین کمیته اجرائی «جامعه جوانان سوسیالیست ژاپن» و هوسونی، عضو کمیته مرکزی این سازمان، در مقدمه کتاب خود نوشته اند: «در تاریخ مردم افغانستان صفحه درخشان جدیدی گشوده شده است. پیروزی انقلاب ماه ثور سر آغاز سرنوینی و انقراض نظام فئودالی در افغانستان بود. این انقلاب توده های زحمتکش را به جنبش انقلابی برای برپایی یک زندگی نوین جلب کرد. کارگران و دهقانان و روشنفکران و دانشجویان با عزم راسخ از دستاوردهای انقلاب خود دفاع میکنند. ما در جریان سفر خود از موسسات صنعتی، تعاونیهای کشاورزی، مدارس و دیگر تاسیسات دیدن کردیم و با کارگران، روستائیان و دانشجویان به گفتگو نشستیم. ما در همه جا مشاهده کردیم که مردم افغانستان از دستاوردهای انقلاب دفاع و از دولت بیرون کارمل پشتیبانی میکنند. مردم افغانستان با علاقتندی و شور فراوان در امر تولید و بازسازی هم نشوون زدندگی جامعه خود فعالیتها شرکت می کنند».

مردم افغانستان توطئه ها و تحریکات عناصر ضد انقلاب را، که به تحریک و با کمکهای نظامی امریکا، چین و پاکستان به عملیات تروریستی می پردازند، خنثی و این عناصر را سرکوب میکنند. امریالیسم آمریکا و سلطه جویان یکی جنگ اعلام شده ای، علیه مردم افغانستان آغاز کردند، اما موفقیتی به دست نیاوردند. در نمایشگاهی که از جانیات این جنگ ترتیب داده شده، اسناد و مدارک و تصاویری موجود است که مداخلات نظامی خارجی و عملیات تروریستی عناصر ضد انقلاب در این کشور را آشکارا نشان میدهد.

روی یکی از این تصاویر تلخ خاستگی است که از بنای یک مدرسه بجای آمده. بنای این مدرسه بنام ستاندر ضد انقلاب و گروه های تروریستی ویران شده است. گروه های مسلح از خاک پاکستان برای عملیات خرابکاری و آشکنی به افغانستان فرستاده میشوند. سلاجهائی که از این گروه ها به دست آمده، همه در امریکا، چین و پاکستان ساخته شده اند.

در افغانستان دموکراتیک، در حالیکه مبارزه با عناصر ضد انقلاب هنوز ادامه دارد، در زمینه اقتصاد و فرهنگ و سواد آموزی فعالیت جوشانی جریان دارد. شهرهای این کشور در امن و امان بسر میبرند. در کابل و تمام شهرهای دیگر افغانستان زندگی پر جوش و خروش روال عالی خود را طی میکند.

مولفان این کتاب در پایان خاطرات خود نوشته اند: «ما امیدواریم و آرزو مندیم که تعداد هر چه بیشتری از اهالی ژاپن، با خواندن این کتاب، به واقفیت رویدادهای افغانستان بپیوندند و همچنین امیدواریم که خلقهای جهان از حقیقت اوضاع افغانستان آگاه شوند».

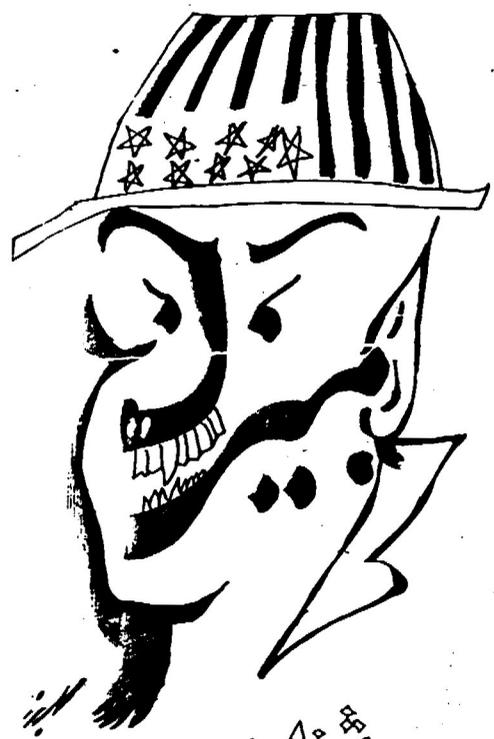
## بازداشت شرکت کنندگان جشن «روز جهانی زنان» در شیلی

پلیس شیلی بیش از سی تن راه، که در گردهمایی بنام «روز جهانی زنان» (۸ مارس - ۱۷ اسفند)، شرکت داشتند، بازداشت کرد. در روزهای گذشته، در خیابان سانتیاگو بمبارانهای گریزناکی های خود افروزمند.

## اعتصاب نیم میلیون کارمند دولت در بریتانیا

روز دوشنبه ۱۸ اسفند، بیش از ۵۰۰ هزار تن از کارمندان دولت، از جمله کارمندان نخستوزیری در بریتانیا دست به اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. آنها خواهان ازباید حقوق خود هستند. ویلیام کنال، یکی از رهبران اعتصاب، تهدید کرد که چنانچه دولت محافظه کار مارگارت تاجر خواستهای اعتصابیگران را نپذیرد، آنها مبارزات خود را ادامه و گسترش خواهند داد.

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران، در جبهه متحد خلق



نامه مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آفل شماره ۶۸  
(دفتر نامه مردم)  
هنوز در اختیار  
نامه مردم نیست

**NAMEH MARDOM**  
No. 465  
11 March 1981

Price:  
West-Germany  
0.80 DM

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:  
صندوق پستی  
۴۱/۳۵۵۱، منطقه  
۱۶ پستی تهران